

اکسپرسیونیسم انتزاعی

موجب شد

پاپ آرت

به فراموشی سپرده شود

● ترجمه:
مژده بهشتی



دریاره هنر آمریکا در نیمه اول قرن بیستم چنین مرسوم است که تا همان اندازه بحث شود که به پیشرفت‌های اروپا ربط دارد پس از اولین گروه مستقل مکتب رئالیستی «اشکن» (۱) چهره‌های برجسته‌ای همچون «جورجیا اکیفه / Georgia O'Keeffe»، «آرتور داو / Arthur Dove» و «چارلز دموت / Charles Demuth» برای تعریف نقاشی آمریکایی دست به جستجو زدند؛ اما پیوند نزدیک بین گالری ۲۹۱ «آلفرد استیگلitz / Alfred Stieglitz» و مجله اش (Work Camera) و نیز برگزاری نمایشگاه «۱۹۱۳- Armor yshow» رواج یک ذهنیت عمومی نسبت به برتری هنر اروپایی گشت. مجموعه‌هایی از هنرهای آوانگارد (پیشگام) اروپایی، همانند آثار «والتر ارنز برگ / Walter Arensberg»، «کاترین درایر / Dreier» و «کاترین بارنز / Katherine Barnes» و «استاین / Stein» پارسی الاصل و همچنین نمایشگاه‌ها و تشکیلات بی‌شمار گروه‌هایی چون «سینکرومیست‌ها / Synchromists» با همراهی «استانتون مک دونالد رایت / Stanton Macdonald-Wright» و «مورگان راسل / Morgan Russel» و نیز حضور «من ری / Man Ray» که «مارسل دوشامپ» در سال ۱۹۲۰ وی را ترغیب به رفتن به پاریس کرده بود، همگی نخستین منادیان به رسمیت شناخته شدن «هنر مستقل آمریکایی» بود. پس از جنگ جهانی اول، دو جریان باعث به وجود آمدن صحنه‌ای از هنر آمریکایی شد: نقطه نظرات آوانگارد و آکادمیسم و نیز ارتباط



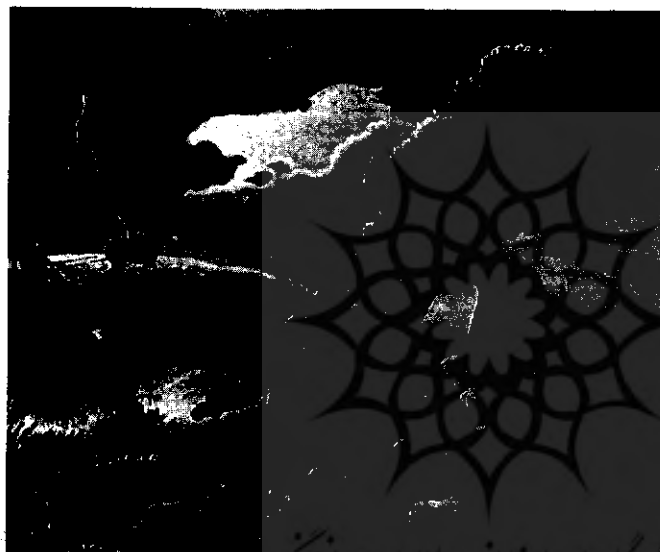
GRANT WOOD,
Young Corn, 1931, Oil on masonite panel,
61x75.9 cm

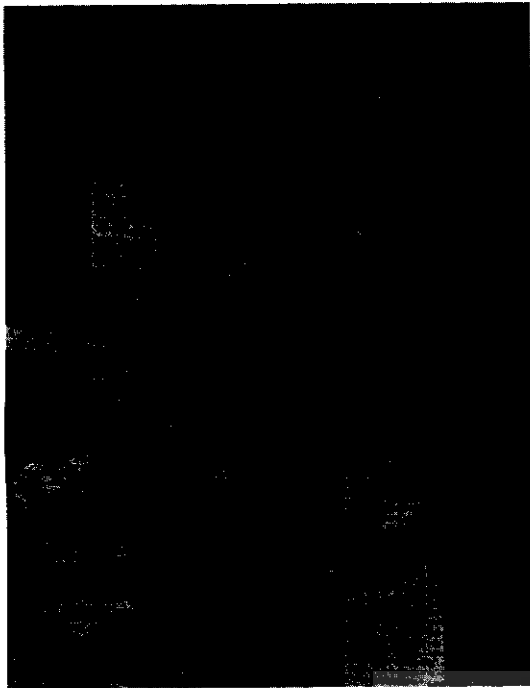
THOMAS HART BENTON,
the Hallstom, 1940, Tempera
on gesso panel

اما این تنها «ادوارد هوبر / Edward Hopper» بود که با ترکیبی ماهرانه از واقعیت و تصنع، که درحالتی سیلمایی یا تئاتری ترتیب داده شده بود، به جای بازتاب صحنه‌های آمریکایی برای دیگران، تصویری برای این مردم خلق نمود.

به سال ۱۹۲۹ «موزه هنرهای مدرن» در نیویورک تأسیس شد. در دهه ۱۹۳۰ «پروژه هنرهای فدرال» با به خدمت گرفتن «آرشیل گورکی / Arshile Gorky»، «ویلیام بزویوس / William Bazziotes»، «آدولف گوتلیب / Adolf Gottlieb»، «دی کونینگ / de Konning» و «جکسون پولوک / Pollock» بنیاد نهاده شد. با این حال فقط با شروع جنگ جهانی دوم و مهاجرت انبوه هنرمندان چهارگوشه دنیا به

بین هنرهای کاربردی و هنرهای زیبا در وضعیتی متفاوت با اروپا به کار گرفته شد. «چارلز دموت»، «استوارت دیویس / Stuart Davis» و «جرارد مورفی / Murphy» و «من ری / Gerard» و «مارسل دوشامپ» را به اوج رساندند. در همان حال «چارلز شیلر / Charles Sheeler» شبیه‌سازی‌های بسیار دقیقی را که نیمه نقاشی و نیمه عکس محسوب می‌شد کپی کرد. آنها به گرمی از رئالیسم که از الگوهای «شیکر / Shaker» تأثیر می‌پذیرفت، ترقی کرده بود از سوی دیگر «بن شاهن / Ben Shahn» و بالاتر از همه «گران وود / Grant Wood» ارزش‌های زمینی غرب میانه را مورد تجلیل قرار دادند که از طریق یک پیام ملی، پیشرفت سریع‌تر «نقاشی آمریکایی» را سبب گردید. «توماس هارت بنتون / Thomas Hart Benton» در مورال‌های عظیمی که در دهه ۱۹۳۰ اجرا کرد، تصاویری پرتحرک زندگی در ایالات متحده را به نمایش گذاشت؛





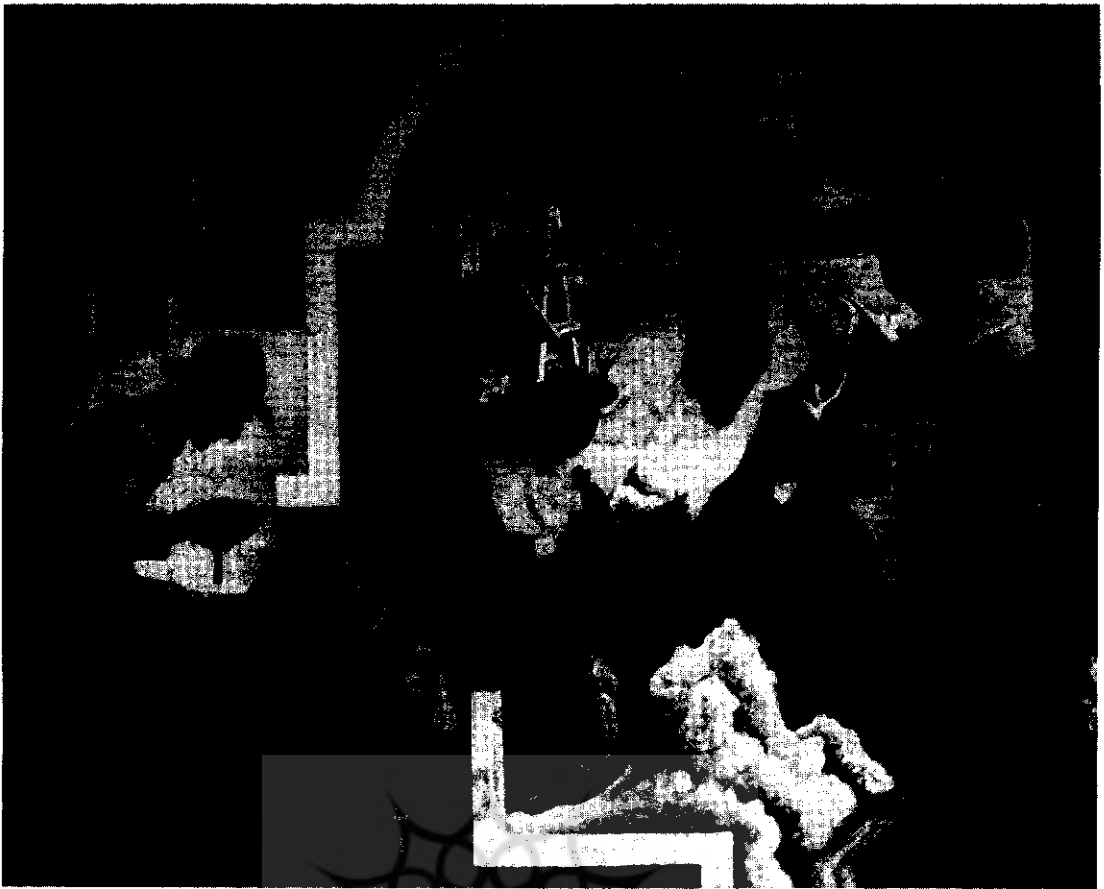
Charles Demuth,
I Saw the Figure 5 in Gold, 1928

Thomas Hart Benton,
New School Murals (detail),
the Old South, 1930

EDWARD HOPPER,
Gas, 1940

امریکا بود که دستیابی به ایده هنر مدرن آغاز شد. نسل جوان تر بست به تجربه ضربات اساتید هنر آوانگارد زد اما آثارشان. اگرچه همچنان قوی. بر اثر تقلید محضی که در امریکای زمان جنگ مرسوم شده بود. بی آب و رنگ از کار در می آمد. این نسل جدید از هنرمندان امریکایی تلاش می کرد تا مستقیماً روی سؤالاتی درباره مفهوم و هدف هنر در یک زمینه بومی و خانگی انگشت گذارد. کوشش های «کلمنت گرین برگ / Clement Greenberg» در جهت ایجاد یک بنیان برای تجربیات هنری نیویورک منجر به تحلیلی واقع گرایانه، تفصیلی و متقدهانه از عرصه هنر اروپا شد؛ چنان که آوانگارد را وادار می ساخت تا از خود در برابر هرگونه گرایش به سمت زرق و برق های پوشالی دفاع کند. «جان گراهام / John Graham» نقاش مهاجر روسی در اثری با نام «1937- Art and Dialects of System» به دفاع از هنر مدرن پرداخت که در آن اندیشه، احساس و بدیهه سازی بر غالب شیوه های سنتی برتری داشت. از همین جا بود که اصطلاح به ظاهر ضد و نقیض «اکسپرسیونیسم انتزاعی / Abstract Expressionism» شکل گرفت: در این سبک محتویات یک اثر هنری هیچ ارتباطی با درونمایه اصلی آن و آنچه که مورد توجه است، ندارد. «گورکی»، «دی کوئینگ»، «پولوک»، «مادرول / Mathewell»، «فرانز کلاین / Franz kline»، «بارنت نیومن / Barnett Newman / «کلایفورد استیل / Clyfford Still» و «روتکو / Rothko» از جمله کسانی بودند که یک زبان تصویری غیر رئالیستی را به مرور زمان به وجود آوردند؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نهایت اکسپرسیونیسم انتزاعی، هم عصر بودند؛ بنابراین آنان را نیاستی به «پاپ آرت» یا «شودادا» وابسته دانست؛ چرا که هر دو به رغم تصویری که در موردشان می‌شد، به شیوه منتقدانه‌ای درباره نقاشی به عنوان وسیله‌ای برای بیان متعهد بودند. دیدگاه آنان کاملاً متمایز از اصول بازسازی مکانیکی‌ای بود که چند سال بعد متداول شد. آنان با پیش‌آگزیستانسیالیستی نقاشی تضادی نداشته و آن را گسترش داده و دگرگون می‌ساختند.

در ارتباط با «پاپ آرت» تاریخ نقاشی آمریکا در اوج دوران مصرف‌گرایی، در آن حد نیست که بتوان آن را حلقه پیوند یک سلسله حرکت‌های هنری دانست. به عنوان نمونه «فرانک استلا / Frank Stella» در نمایش آثارش به نام «Black Paintings» طرز نوینی از آبستره را به پیش برد که بایستی آن را ادامه مدرنیسمی دانست که از طریق آن «گرینبرگ» توانست اکسپرسیونیسم انتزاعی را تفسیر کند. از آن واضح‌تر، آغاز دهه ۱۹۶۰ بود که نقاشی‌های «رابرت رایمن / Robert Ryman» و «برایس ماردن / Brice Marden» با دریافت‌های مهم شناختی و نگارشی خود، بعد جدید و شکل تازه‌ای از تجربه را معرفی کردند؛ تجربه‌ای که «پاپ آرت» به سبک «دوشامپ» یک بار و برای همیشه از آن استفاده نموده بود.

● پلورقی

۱. Ashcan: مکتب نقاشی‌ای که هدفش نمایاندن واقعات و مناظر شهری بود و در سال ۱۹۰۸ به وجود آمد. (م)

زیانی که می‌بایست توجه جهانی را جلب کند و به اعتقاد آنان بی‌جهت توسط هنر مدرن اروپا نادیده گرفته شده بود.

«جکسون پاولوک» در فاصله سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۷ در تلاشی برای بازنگری موضوع و اجزای نقاشی، به ترکیبی از تأثیرات هنر «پیکاسو» و «ماسون» با هنر ملی آمریکا و مورالیست‌های مکزیکي دست یافت؛ بدین ترتیب با رنگ افشانی‌های پاولوک، که دستاوردی از بکارگیری منبهم و فی‌البداهه فضا و زمان بودند، نقاشی «اکشن / Action» آغاز شد.

آمریکا در بحبوحه جنگ سرد و از طریق نمایشگاهی که در سال ۱۹۵۸ در سرتاسر اروپا عرضه شد، پیام «اکسپرسیونیسم انتزاعی» خود را فرستاد. بدان آن ایالات متحده برای خود جایی در تاریخ هنر مدرن باز کرد. تأثیر مطبوعات، آموزش‌های هنری و مجموعه داران و واسطه‌های متعهد، به زودی «اکسپرسیونیسم انتزاعی» را به چنان جایگاه برجسته‌ای رساند که موجب شد «پاپ آرت» به فراموشی سپرده شود.

این امکان وجود ندارد که آثار «رابرت رشنبرگ / Robert Rauschenberg» و «جاسپر جونز / Jasper Johns» در اوایل دهه ۱۹۵۰ اجرا می‌شد، عنوان خاصی داشته باشد؛ اما با این حال یادآوری این نکته مهم است که آنان با اکسپرسیونیسم انتزاعی و نیز با پیشرفت مداوم کلیات «دی کوئینگ»، نقاشی‌های زمینه رنگی با خطوط واضح و در